

دیر نوروزی^۱

(میرمیرین = Mirmirên)

یکی از مراسم کهن نوروز^۲ در کردستان

مردم آزاده و سنت پرست کردستان، قرنهایست که در آغوش دره‌ها و دامنه‌های سرسبز و خرم، در کنار رودخانه‌ها و چشمه‌سارهای پر آب و روان، در پیچ و خم سلسله کوه‌های سر با آسمان کشیده مگری^۳، آرارات^۴، و زاگرس^۵ زندگی میکنند.

۱- علامه استاد مرحوم محمد قزوینی با نشر یکی دو مقاله در تفسیر و معنی این بیت‌الغزل مشهور (سخن در پرده میگویم...) لسان‌الغیب حافظ شیرازی راجع به میر نوروزی معلومات موثق و صحیحی بما داده‌اند، نك: (مجله یادگار) - نگارنده را دریغ آمد، که مشاهدات و اطلاعات خود را درباره «میرمیرین» (برگزاری مراسم جشن امیر بهاری در مهاباد، که در حقیقت مظاهری از میر نوروزی در کردستان مگری است) بعنوان تکمله یا ذیلی بر تحقیقات آن شادروان تقدیم خوانندگان ارجمند نشریه دانشکده ادبیات تبریز نکنم.

۲- درباره اساس نوروز و نوروز در کردستان، رجوع فرمائید: نوروزنامه خیام و شاهنامه فردوسی و مقالات کاظم زاده ایرانشهر و استاد ابراهیم پورداود و همچنین نك: برهان قاطع با اهتمام دکتر محمد معین چاپ تهران ۱۳۳۵ ج ۴ ص ۲۱۸۷ و هم چنین نك: «چریکه‌ی» «موزین» شاهکار احمدخانی که بسال ۱۶۹۱ م، آن را سروده است، چاپ اربیل (هولبر کردستان عراق) ۱۹۵۴ ص ۵۰ و مقالات علامه استاد مرحوم «پرمیرد» سلیمانیه و گیومو کریانی.

۳- مگری Mukri نك: جغرافیای مفصل ایران مسعود کیهان تهران ۱۳۱۰ ج ۱

ص ۴۷ و ۱۹۱.

۴- آرارات = آراراط = Ararat نك: قاموس کتاب مقدس ترجمه و تألیف مستر*

هر گوشه‌ای از دهات و شهرهای کردستان یا هندوستان ایران زمین را بگردیم، با هزاران راز و نکته غیرمکشوف برخورد میکنیم؛ شهری که داریم، درباره یکی از سنتهای نیمه فراموش شده ساکنین آن بحث میکنیم: مهاباد امروز، ساوجبلاغ مکرری^۱ دیروز، شهرویران سابق است؛ که بطلمیوس بعنوان یکی از شهرهای مدی (مادی) بنام داروشا از آن یاد کرده است و رولنسن Rawlinson آن را با دارایاس تطبیق نموده^۲ و یکی دانسته است.^۳

شهر زیبای مهاباد، مرکز کردستان مکرری، بایک سلسله مشخصات برجسته و زنده، از قدیم الایام جلب توجه محققین، سیاحان، و مسافرینی را که از این سامان گذشته‌اند کرده است.

با وجود این که، سیل حوادث و مصائب روزگار، صدمات و ضربات بسیار شدید و فراموش نشدنی باهالی بی چیز این منطقه وارد کرده است؛ معینا اشخاص غیر بومی و خارجیانی که این شهر را دیده‌اند؛ علاوه از خوبی شهر، مهابادیان را مردم متمدن، معاشر و مهمان نواز معرفی کرده‌اند.^۴

* هاکس آمریکائی بیروت ۱۸۲۸ شماره (۱۵) ص ۳. ونک: جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی تألیف لسترنج ترجمه محمود عرفان، تهران ۱۳۳۷ ص ۱۹۶.

۵- زاگرس = Zagros نک: جغرافیای مفصل ایران مسعود کیهان تهران ۱۳۱۱ ج ۲ ص ۵۱۹ و ج ۱ ص ۴۷.

۱- نک: هیئت علمی فرانسه در ایران- مطالعات جغرافیائی، ژاک دومرگان ترجمه دکتر ودیعی تبریز ج ۲ ص ۱.

۲- نک: جغرافیای مفصل تاریخی غرب ایران، نگارش بهمن کریمی تهران ۱۳۱۷ ص ۲۴۶.

۳- اکنون درسه فرسخی شهر مهاباد در محال شهرویران دهکده‌ای بنام «دریاز» دریاس = Diryas « هست بقرار معلوم شهر دارایاس در آنجا واقع بوده است - ع.ا.

۴- شیوع یافتن امراض مسری (وبا و طاعون)، کشتار و آتش زدن ساوجبلاغ مکرری بدست قزاقان روسیه تزاری در ربیع الاول ۱۳۳۳ (ه.ق).

۵- بیللی فریزر انگلیسی، اوژن اوین، ژاک دومرگان فرانسوی، اسکارمان آلمانی نیکیتین و مینورسکی روسی و فاسوم آمریکائی و...

اهالی مهاباد عموماً زنده دل، با نشاط، خوشگذران، شوخ و بزدله گوهستند؛ انواع هنرنمایی، سرگرمیها و بازیهای دسته جمعی و عمومی دارند؛ اهل خوشی و تفریح، دوستدار رقص و آوازهای دل‌انگیز کردی هستند و به زندگی و شادیهای زندگی عشق میورزند.

جشنهای ملی در کردستان مخصوصاً در مهاباد همیشه با شوق و شور و شکر و شادی فراوانی برگزار میشود، مهابادیان با عیاد مذهبی هم رنگ ملی و محلی ایرانی داده و باشکوه و شادمانی بیشتر از سایر مسلمانان، آن جشنها را برگزار می کنند؛ از آن جمله بدیدن یکدیگر میروند و از برای تجلیل و احترام این قبیل روزهای گرامی تشریفات و ترتیبات مخصوص قائلند که توضیح کامل آن در این مقاله مختصر نمی گنجد.^۱

شایان توجه است که در شهرستان مهاباد هیچگونه مراسم سوگواری عمومی (مرثیه خوانی) وجود ندارد، ولی جشنها و شادمانیهای عمومی خیلی زیاد است؛ حال درباره یکی از مهمترین جشنهای تفریحی و عمومی [میرمیرین = *mîrmîrên*]

۱- امروزه نیز در مهاباد، دختران و پسران جوان، با قلبهای پر از شوق و شادی در حالی که لباسهای قشنگ و رنگارنگ کردی بتن کرده اند در: «کانی مام قه نبران = *Kanê Mam Qenberan*» و «کانیئه سحابه سیپی = *Kanê Eshabey Sipi*» و «باغی گولان = *Baxî Gulhan*» و «باغی سیوان = *Baxî Sêwan*» و «باغی موکالیلی = *Baxî Mukayli*» و... همراه آوازاها و آهنگهای دلنشین کردی که چرگران و خوانندگان جوان برای ایشان میخوانند؛ برقصهای ملی کردی که فوق العاده جالب است، میپردازند.

۲- نك : يك بحث تحقیقی درباره اعیاد ملی و دینی در کردستان.

۳- میر میرین = *mîr + mîr + ên* : میر یعنی امیر، و مکرر آن شاید بعلت ظهور و جلوس امیران متعدد میباشد و پسوند (ین =) در زبان کردی علامت بازی است؛ مثلاً توپین = *topên* = (توپ بازی = بازی با توپ) و (گوین = *Goyên* = گوی بازی = بازی با گوی) و هم چنین در: تیرین، جگین، دز دزین، کودرین، ماتین، هه بجوهه بجوین، (قه ری قهرین، جه غزین)، میشین، هه لوکین، خه نجه رین، شمشیر شمشیرین، بولک بوکین، بازه لین و... ایوبیان

برگزاری مراسم جشن امیر بهاری (میرنوروزی) [در شهر مهاباد بحث خود را آغاز می‌کنیم؛ علاوه از مشاهدات شخصی، با بیشتر از بیست نفر از اشخاص با اطلاع و معمر، مخصوصاً کسانی که در دستگاه امیر بهاری نقشی را بر عهده داشته‌اند تماس گرفته و از آنها سؤالاتی کرده‌ام، از مرحوم عمویم (حاج سید عبدالرحمن ایوبی) و پدرم خواهش کرده‌ام جریان (میرمیرین = امیر بهاری) را همانطوری که در شهرستان مهاباد دیده‌اند برایم نقل کرده‌اند.

در اینجا لازم میدانم بعنوان سپاسگزاری و حق‌شناسی از کسانی که برای تدوین این رساله از محضرشان کسب فیض کرده و اطلاعاتی بدست آورده‌ام نام ببرم.^۱ و اما راجع به بسط و توضیح آن در سایر مناطق فعلاً خودداری می‌کنیم همینقدر یاد آور می‌شود: که برگزاری مراسم جشن امیر بهاری در سایر صفحات کردستان، میان قاطبهٔ کردان از آن جمله میان کردان خراسان^۲ که اصالت ایرانی و خصایل نیاکان خود را بخوبی حفظ کرده‌اند نیز معمول است.^۳

از قدیم الایام جشن امیر بهاری (میرنوروزی) در شهر مهاباد معمول بوده و هست، اهالی شهر از میان خود یک مرد عامی یا یکی از ادنی‌الناس را به امارت و حکومت

۱- (۱) مرحوم حاج مصطفی داودی از محترمین مهاباد که مورخ فاضلی هم بود.

(۲) مرحوم عابد که مردی نکته‌سنج، آوازخوان، هنرمند و بدله‌گو بود.

(۳) آقای کاک صدیق حیدری

(۴) آقای کاک مصطفی بارنجی در نقش (وزیر).

(۵) آقای کاک مطلب ضروری در نقش (دلک).

(۶) آقای کاک صدیق سیاسی که نقش (امیرنوروزی) را داشته‌اند و ... ع ۱

۲- کردان خراسان در شهرهای قوچان، بجنورد، شیروان و دره‌گز و اطراف آن

نواحی ساکنند.

۳- نک: مجلهٔ یادگار چاپ تهران دورهٔ اول سال ۱۳۲۳ شمسی.

موقتی انتخاب میکرده‌اند بقرار معلوم در زمانهای پیشین امیران و حکام وقت ، محض تابعیت سنت عمومی ، در آن (چندروزه) خود را بر حسب ظاهر از امارت و حکومت خلع میکرده و نام حکومت و امارت را با جمیع لوازم ظاهری آن ، از فرمانروائی مطلق و اطاعت عموم عمال دیوان و اوامر و نواهی بامیر بهاری واگذار مینموده‌اند^۱.

اعیان و اشراف لباسهای عالی و جواهر نشان، تاج مکرر بگوه‌های قیمتی، کمر بند و بازوبند شاهانه، اسب و چکمه و مهمیز و شمشیر و خنجر و اسلحه‌های گرانبهای خود را، در اختیار امیر بهاری میگذاشتند و اهالی شهر هم هر چه اسب و قاطر و زر و زیور و وسایل تزیین و تشریفات داشتند برای اجرای مراسم جشن بعنوان امانت در اختیار هیأت مدیره^۲ امیر بهاری میگذاشتند .

در نخستین چهارشنبه^۳ سال در یکی از میدانهای بزرگ شهر، امیر بهاری در

۱- نك: مجله یادگار چاپ تهران دوره اول سال ۱۳۲۳ شماره (۱۰۳) ص ۱۳

و ۵۷ .

۲- هیأت مدیره‌ای برای برگزاری مراسم جشن امیر بهاری، شب قبل تشکیل می‌یافته برنامه جشن را تنظیم و وظیفه و سمت هر يك از شرکت کنندگان را معین میکرده‌است.

۳- برگزاری مراسم امیر بهاری، بنا بر سنت دیرین، در نخستین چهارشنبه سال برگزار می‌شده‌است، ولی گاهی بواسطه نامساعد بودن هوا، این مراسم بروزی دیگر، موکول میگردیده است و امروزه نیز در شهر مها باد در طول سال (بخصوص بهار و تابستان) هر چهارشنبه‌ای را که هوا خوب و مساعد باشد بنام روز « مانور = Manor » مردم شهر، زن و مرد برای تفریح و تفرج، بخارج شهر رفته، آن روز را در هوای آزاد، با رقص و شادی بسر می‌آورند و آخرین چهارشنبه سال را هم بنام «چوارشه‌موی پیروز = چوارشه مموسوری» آتش می‌افروزند، و جشن میگیرند و معمولاً آغاز بعضی از کارهای خیر: مراسم نامزد دختری برای پسری، بریدن پارچه برای لباس، شروع ساختمان و مسافرت و ... را در شب و روز چهارشنبه مبارک و مستحب میدانند. ع.ا.

حالی که تاج مکمل و یکدسته گل «گه زیزه»^۱ و پرتاوس بر سر داشت و بالای سرش پرچم و چتر بر میافراشتند با طالع آفتاب بر مسند امارت می نشست.

سپس مرد «گوپال زیوین = Gopal Zéuin»^۲ خود را بد پیشگاه امیر بهاری میرساند و تعظیم کنان کسب اجازه می کرد؛ تا وزیر و گزیر و خدمتگزاران آستانه امیر بهاری را معرفی کند، امیر بهاری اجازه می فرمود و «گوپال زیوین» کهن وزیر وفادار، وزیر دست راست، وزیر دست چپ، «گزیر»^۳، میرزا و خدمتگزاران را معرفی مینماید:

اعضای تشکیلات امیر بهاری به قرار زیر است:

۱- امیر بهاری (= میر نوروزی)

۲- کهن وزیر (پیری ژیر)^۴ که گاهگاهی برای حل معضلات و مشکلات با

او مشاوره می کردند و معمولاً پیران شوخ و بذله گور را برای این سمت انتخاب می کردند.

۱- گه زیزه = Gezize نام کردی گلی است، که پیام بهار می آورد = گل نوروزی (؟)

۲- گوپال زیوین = یعنی گوپال سیمین، بمردی گفته میشود که گوپال سیمین در دست دارد و همیشه در آستانه امیر بهاری حاضر است و مواقع حرکت امیر بهاری، مرد گوپال سیمین، گوپال بردوش، با دلقک، در پیشاپیش موکب امیر بهاری راه میافتند.

۳- گزیر = Gizir: کارمند، مأمور مخصوص، بعقیده نگارنده کلمه «گزیر» با «وزیر» هم ریشه هستند: در لهجه جنوبی (گورانی - سنندج) حرف (و) لهجه شمالی (سورانی - مکرری) تبدیل به «گ» کردی میشود مثلاً در کلمات زیر:

وزیر خواهد شد: گزیر.

آوینه « «: آبگینه.

بووه « «: بوگه، یعنی بوده است. ع ا

۴- پیری ژیر = Piri Jir (پیاو عاقل) یعنی مرد عاقل، مردان پیر و عاقلی که در

نواحی و دهات فعلاً هم هستند، مردم مخصوصاً جوانان در کارهای خود با آنان مشورت میکنند،

این پیرمردان عاقل مستشاران باتدبیر و مآل اندیش و درستکار و رازدارند. ع ا



امیر بهاری در مهاباد (ساوجیلان) مرکز کردستان مگری در زمان حکومت سیدالدین خان سردار

Mission Scientifique en Perse

Etudes Géographiques par J.de MORGAN tome 2 paris 1895. P 40



۳- وزیر دست راست، که از طرف امیر بهاری معمولاً احکام معتدل و منطقی و قابل اجرا صادر میکرده است.

۴- وزیر دست چپ که از طرف امیر بهاری معمولاً احکام مسخره و عجیب، فرامین خلاف توازن اخلاقی و غالباً غیر قابل اجرا صادر میکرده است.

۵- میرزا عبارت از یکنفر باسواد بود که در دستگاه امیر بهاری سمت دبیری داشت.

۶- فراشان و خدمتگزاران که تعداد آنها معلوم نبوده ولی وظائف آنها معین بوده است.

۷- دسته خنجر زنان یا جلادان که غالباً لباس سرخ می پوشیده اند.

۸- مرد «گوپال زیوین» چنانکه معرفی شد، مردی بود که يك گوپال سیمین بزرگ در دست داشته و مأمور ابلاغ فرمانهای امیر بهاری بوده است.

۹- دسته موزیک : تمام هنرمندان و نوازندگان افتخاراً در دسته موزیک انجام وظیفه می نمودند و گاهی تعداد آنها به ۲۵ نفر رسیده است.

۱۰- آوازخوانان و سرودخوانان و چرگران، گاهی بصورت دسته جمعی

گاهگاهی نوبتی و گاهی هم بصورت مشاعره آواز میخواندند؛ تعداد آوازخوانان و چرگران گاهی بیش از صد نفر بوده است^۱.

۱۱- وشکهرن = *Wishke Rhin* : که غالباً لباس او را از پوست حیوانات

از قبیل شیر و پلنگ و اگر بدست نمی آمد، از پوست گوسفند درست میکرده اند هزاران زنگوله کوچک بلباس او آویزان بود، بشانهها و سینه اش آینه نصب میکردند «کاله شمامه بندی»^۲ یا «کلاش» بجای کفش می پوشید انواع حرکات و سکنات و اطوار

۱- بهترین خواننده در مسابقه جشن امیر بهاری تعیین میشده و از طرف امیر بهاری مفتخر بدریافت لقب و جایزه میشده است.

۲- کفش ابریشمی، يك نوع کفش مخصوص که در مهاباد درست میکنند.

مسخره درمیآورد و بهر کس هر چه دلش میخواست میگفت، بغیر از شخص امیر بهاری که از متلکهای جالب و احیاناً زنده او معاف بود.

بمجرد جلوس امیر بهاری، قاطبه اهالی شهر و اطراف برای عرض تبریک و تهنیت و شرکت در جشن شادمانی عمومی، که یک وظیفه اجتماعی و ملی بود شرفیاب پیشگاه امیر بهاری میشدند.

بمحض اعلام اطاعت و انقیاد قاطبه اهالی، امیر بهاری با دستجات نگهبانان خود که گاهی از چند هزار مرد مسلح تجاوز میکرده است، با جلال و شکوه تمام در حالیکه سکنه را بدنبال داشت بعنوان کاروان شادی در کوچه‌های معتبر شهر و بازار گشتی میزد، در حالیکه بازار بکلی تعطیل میشد، برای عزل امیر و یا حاکم واقعی به نزد او میرفت.

جشن امیر بهاری در شهر مهاباد، بکرات موجب برانگیختن احساسات مردم علیه حکام ناصالح بوده و سکنه شهر با استفاده از موقعیت، امیر یا حاکم حقیقی را کتک کاری کرده و یا کشته اند، از این رو در این اواخر امیر بهاری (میر نوروزی) بتوسط سربازان و نمایندگان حکام؛ که مأمور جلوگیری از تجاوز و تخطی از حدود شوخی هستند همراهی میگردد.

آنگاه امیر بهاری در حالیکه پرچم فیروزی امارت بهاری را برمی افراشت بمقر خود بر میگشت و بر مسند امارت خود می نشست و بشکایات مردم رسیدگی! و همچنین مسخره ترین دعاوی را قضاوت میکرد.

گنجهکاران را که عبارت از دروغگویان، رباخواران، فتنه برانگیزان، عناصر

۱- نك: کوواری هه تاو = Hetaw چاپ اربیل (ههولیر، کوردستان عراق) سال ۱۹۵۲ شماره ۹۴ سال ۳ ص ۳۱ - ۲۸ و همچنین نك: هیئت علمی فرانسه در ایران - مطالعات جغرافیائی (جغرافیای غرب ایران) تألیف ژاک دومرگان ترجمه و توضیح دکتر کاظم ودیعی تبریز ۱۳۳۹ ص ۴۳.

مادی، لئیم و مهمان ناپذیر بودند؛ و بنا برین خیلی مسخره‌ای بمردم معرفی و محکوم بمجازات و ادای جریمه نقدی میکرد، و اغلب چند تازیانه هم حلال جانشان میکردند، منتهی در جرائمی که تعیین میشد $\frac{۱}{۱۰۰۰}$ آن اخذ میگردید و اشخاصی که جلب یا احضار میشدند، محض متابعت سنت عمومی چندین برابر جریمه را می پرداختند و تحف و هدایای قابل توجهی هم بعنوان احترام بدستگاه امیر بهاری، تقدیم میکردند.

احکام جالبی که بوسیله وزیر دست راست و وزیر دست چپ صادر میشد:

طبق فرمان امیر بهاری حاکم باید زندانیان بی گناه را آزاد کند. خانواده‌هایی که باهم اختلاف دارند، بر طبق دستور امیر بهاری فوری آشتی نمایند، ثروتمندان باید ذکات خود را مطابق شرع بفقرا بدهند، فردا باید بر روی رودخانه پلی عالی ساخته شود، هر کس موظف است که دور و بر منزل خود را تمیز نگاهدارد، هر کس از این فرامین سرپیچی کند طبق امر امیر بهاری به‌دضر به شلاق و یک‌روز زندان محکوم خواهد شد.

وزیر دست چپ این احکام را صادر میکرد، بنام امیر بهاری دستور میداد: که باید تمام مردان امروز $\frac{۱}{۲}$ نصف سبیل خود را بزنند و گرنه فردا کسانیکه از این دستور شانه خالی کرده‌اند گوششان بریده خواهد شد.

حاکم شهر موظف است تا فردا صبح کاخی از سنگ مرمر اعلا بنا کند و گرنه

۱- امیر بهاری مرحوم سیف‌الدین خان سردار حاکم مقتدر و محبوب ساوجبلاغ مکرری (مهاباد) و مرحوم حاج سید محمد فخر العلاء (جد مادری نگارنده) و مرحوم باباخان بگ از بزرگان ایل بگزاده را بدهکده لاجین سیاحتگاه خود احضار و در آنجا خطاب بایشان احکام و دستورات خنده‌داری صادر میکرد.

این شخصیت‌های بزرگ، مقتدر و محترم محض تابعیت سنت عمومی با کمال میل و خلوص نیت احکام و اوامر امیر بهاری را قبول و اجرا میکردند (از قول معمرین قابل اعتماد)

۲- غیر از کسانیکه حیثیت خود را بوسیله‌ای یا با پرداخت مبلغی باز میخریدند.

باید شهر را برای همیشه ترك كند . از امروز تا فردا کلیه جوانان از ۱۳ سال بیابا باید زن بگیرند و گرنه اجباراً باید با يك پیرزن هشتاد ساله ازدواج نمایند . بر طبق فرمان امیر بهاری کلیه شهر نشینان فردا باید بدهات نقل مکان کرده دهاتیا بشهر بیایند و . . .

بعد از چند روز امارت، امیر بهاری قصد سیر و سفر می کرد و یکی از سیاحتگاههای عمومی مهاباد^۲ میرفت، علاوه از کار گزاران و وابستگان و خدمتگزاران امیر بهاری اکثر جوانان و هنرمندان و اهل حال در رکاب امیر بهاری بگردش و تفریح میرفتند و از پولی که جمع آوری میکردند، برای مستحق ترین جوانان غالباً زن می گرفتند، و هفت شبانه روز رقص و پایکوبی و شادی میکردند، در آن ایام تفریح انواع مسابقات، فنی، ذوقی و ورزشی از قبیل تیراندازی، اسب سواری، کشتی، موسیقی و آوازه خوانی انجام میدادند، بعد از انجام مراسم مسابقات و هنر نمائیا، بشهر مراجعت میکردند.

سقوط امیر بهاری : شگفت انگیزتر از انتخاب امیر بهاری سقوط آن بود، زیرا امیر بهاری بمحض خندیدن و یا صحبت کردن بایک نفر (غیر از وزیران و مرد کوپال سیمین) مفتضحانه! معزول میشد، علی الخصوص هنگامی که مردم مصمم بپایان دادن جشن بودند، بیشتر فشار می آوردند و لقاك مسخر گیهائی میکرد که امیر را بخندانند، امیر بهاری هم که متوجه امر میشد و می فهمد که حکومت او محکوم بزوال و بیک لبخند بسته است، از ترس نتایجی که این خنده در برداشت، خود را بمحل امنی، خانه یکی از محترمین میرساند و ناگهان در يك فرصت مناسب در میرفت و با تحصن در خانه شخص مورد احترامی خود را از مهلکه دور میکرد، این نکته را یاد آور میشود، اگر امیر بهاری در نقشه خود یعنی پناه بردن بیک مأمن محفوظ شکست می خورد، بدست

۱- ایام جشن از سه روز تا ۱۵ روز طول داشته است.

۲- از مشهورترین تفرجگاههای امیر بهاری باید دهکده های «لاچین» و «قلعه رسول سیت»

و «کانی شیخان» و «حاجی مامیان» را نام برد.

جماعت متبوعش چنان مفتضح و رسوا میشد و مورد کتک کاری و توهین قرار میگرفت، که سهل است لذات دوران امارت را فراموش میکرد اصولاً هر گزهوس امیرشدن و حکمفرمائی چندروزه را بقلب خود راه نمیداد و بدین صورت امارت صوری و کوتاه امیر بهاری به پایان میرسید و کارها باز بمجاری عادی خود بازمی گشت؛ بقول ژاک دومرگان *J. de Morgan* «در سابق رژه امیر بهاری بسیار اعجاب آورتر از عصر ما بوده است: تمامی کردها جوشن و زره و کلاه خود آهن و نیزه های بلند در دست داشتند. اما امروزه این سلاحهای تزیینی جای خود را باسلحه های آتشین داده و جشن شکل و قیافه باستانی و اصلی خود را از دست داده است»^۱.

ژاک دومرگان که در سال ۱۸۹۰ برای تحقیقات جغرافیائی به مهاباد آمده بود در مورد امیر بهاری تحقیقاتی کرده اند میگویند: «علی الرغم تحقیقات محلی، من نتوانستم اصل و منشاء این رسم را بشناسم؛ در پاسخ سئوالات من جواب دادند: که پدران ما آن را از پدران پدران خود گرفته اند، منشاء آن هر چه باشد، جشن بسیار عجیبی است و امر انتخاب یک رئیس در تمامی منطقه کمتر از آن عجیب نیست، کلیه اهالی مکرری با عشق و علاقه در این مراسم شرکت کرده و تفریح میکنند، در حقیقت، این زمان امارت امیر بهاری، بمنزله کارناوال مکرری است.

این سنت کهن ایرانی؛ جشن میر نوروزی؛ دیرزمانی است که در کردستان مخصوصاً میان کردهای مکرری معمول بوده و هست ولی در این اواخر از سال ۱۳۱۵ شمسی بعد این جشن در شهر مهاباد بر گزار نمیگردید و این رسم باستانی داشت رفته رفته متروک و فراموش میشد؛ که ناگاه مردم در سال ۱۳۲۴ شمسی مجدداً در مهاباد جشن امیر بهاری را

۱- نک :

Mission Scietifique en pers J.d.Morgan paris 1890 p. 40

۲- فعلاً نیز در غالب دهات کردستان مکرری «کرمانج»ها جشن امیر بهاری را بر گزار

میکند.

باشکوه و جلال خاصی برپا کردند و امیر بهاری مدت پانزده روز در مهاباد امارت کرد، با وجود قدرتهائی که در کمین بودند، امیر نوروزی ایجاد هیچگونه بی نظمی ننمود. و جریان جشن از شکل و حدود بازی و تفریح عمومی تجاوز نکرد و جشن امیر بهاری در محیط آرام، گرم و صمیمانه‌ای برگزار گردید، با کمال تأسف و قایع نگاری که ظاهراً میخواست تاریخ و قایع شهرستان مهاباد را بنویسد، بدون علم و اطلاع این رسم کهن ملی و تاریخی را یک نمایش سیاسی و احساساتی قلمداد کرده بود^۱، این بنده حقیر امیدوار است که نگارنده کتاب «از مهاباد خونین...» با مطالعه این رساله کوچک و مقالات تحقیقی شادروان استاد محمد قزوینی روشن شوند و بقول جناب آقای دکتر اردلان بامیر مهاباد شوخی نکنند^۲.

پایان

۱- نک : از مهاباد خونین تا کرانه‌های ارس، نگارش نجفقلی پسیان تهران ۱۳۲۶

ص ۱۶۹ .

۲- نک : نامه هفتگی کوهستان چاپ تهران دوره اول سال ۱۳۲۴ ش شماره

(۱۵) ص ۱